



مقدمه

حسین حسینی نژاد 

از خاطره نویسی به داستان سرایی

حدود پانزده ماه طول کشید تا داستان سرایی صندوق قرض الحسنه شاهد در ریل خود قرار گرفت. شاید سوال شود چرا این قدر زیاد؟ گشودن راه تازه سخت است. برای همین میل ما بیشتر به راه‌های تجربه شده است. چون هموار است و سختی ندارد. می‌دانیم چگونه وارد شویم و چگونه بیرون بیایم. داستان سرایی سازمانی هم همین وضعیت را داشت. حدود بیست و سه جلسه برگزار شد. در همه جلسات کوشش شد تا مرز خاطره‌نویسی از داستان سرایی جدا و به تفاوت داستان سرایی با داستان اشاره شود. با این حال میل و علاقه بیشتر شرکت کنندگان در جلسات به سمت «راه رفته» یعنی همان «خاطره نویسی» بود.

به این نکته هم اشاره شود که تجربه داستان سرایی در ایران تجربه نویسی است. همین نبودن و نداشتن مشابه‌های دیگر در سازمان‌ها و نیز کم بودن منابع نظری در این زمینه موجب می‌شود در کارهای اولیه آثار بین خاطره و داستان سرایی در رفت‌وآمد باشد. هم اکنون خروجی بیست و سه جلسه داستان سرایی در دست شما قرار دارد. خوشحالیم که این کار را آغاز کردیم و تجربه‌ای بر تجربیات فرهنگی افزودیم. بی‌شک تداوم کار با توجه به چنین خروجی‌ای، چه در صندوق چه در بیرون صندوق، آسان‌تر است. آنان از صفر شروع نمی‌کنند. بلکه از پله‌های بالاتر آغاز می‌کنند.

نیم‌نگاهی به خاطره‌نویسی، داستان و داستان‌سرایی

برای اشاره به مبانی نظری این کتاب لازم است به چند نکته توجه شود. وقتی صحبت از خاطره می‌کنیم به اتفاق یا احساسی نظر داریم که در آن، آغاز، گره یا مشکل، کشمکش، اوج و فرود، حل مشکل و پایان وجود دارد. این اتفاق هم در زمان و مکانی خاص پیش آمده است. موقع نقل هم معمولاً ذهن در آن دست‌کاری‌هایی می‌کند. برخی قسمت‌هایش را پررنگ می‌کند و بعضی را هم کم‌رنگ. حتی چیزهایی بر آن اضافه می‌کند یا از آن می‌کاهد. هرچه هم فاصله نوشتن یا نقل خاطره از زمان وقوع بیشتر باشد شاهد تغییرات بیشتری هستیم. علاوه‌براین‌ها در خاطره تخیل راه ندارد و اگر از تخیل استفاده کنیم بافته‌های ذهنی خویش را به تصویر کشیده‌ایم تا واقعیت. یادآور شویم که هدف خاطره‌گو هم ممکن است آگاهی بخشی، سرگرمی، شادی خود و دیگران، ابراز خود، احساس جاودانگی و... باشد.

در داستان نیز زمان، مکان، شخصیت، اوج و فرود، شروع و پایان و سرانجام حل مسئله و گره‌گشایی وجود دارد. برخلاف خاطره تخیل در آن خیلی نقش مهم دارد. داستان برخلاف خاطره می‌تواند واقعی نباشد ولی از واقعه‌ای الهام بگیرد. لذت ادبی و هنری در آن نقش پررنگی دارد. این دو از لوازم خاطره هم هستند. و اگر خاطره‌ای زیبایی‌های ادبی و هنری را در خود داشت لذت‌بخش‌تر خواهد بود. هدف داستان نیز مثل خاطره سرگرمی، آگاهی بخشی، شادی دیگران و ... است. با این توضیح که داستان‌نویس «چیزی»، «نکته‌ای» در وجودش جوانه زده که می‌خواهد از طریق نوشتن داستان آن را با خواننده در میان بگذارد.

اما داستان‌سرایی که شالوده این کتاب است اینگونه تعریف شده: «یک داستان سازمانی، شامل روایتی مشروح از اقدامات گذشته مدیریت، تعاملات کارکنان و سایر رویدادهای درون و برون سازمانی که معمولاً به گونه‌ای غیر رسمی در درون سازمان جریان می‌یابد و برای اعضای سازمان معنای خاصی دارد. کارکنان، داستان‌ها را برای تبادل دانش و بیان ایده‌هایشان نقل می‌کنند. با درک داستان‌های سازمانی تا حدی می‌توان به دلایل بروز یک رفتار خاص در سازمان پی برد. علاوه‌براین داستان سازمانی شامل تجارب مکتوب و شفاهی کارکنان در چارچوب فرهنگی، روان‌شناختی و اجتماعی حاکم بر سازمان است. هم‌چنین مجموعه‌ای از تصمیمات، اقدامات یا رویدادهایی است که برای شخصیت‌های یک سازمان اتفاق می‌افتد. نکته آخر اینکه از داستان‌ها می‌توان برای تشریح مفاهیم کلیدی در یک سازمان استفاده کرد؛

از جمله خدمت به مشتری، پاداش، انگیزش، فرهنگ، هنجار، کلیشه، رهبری، بوروکراسی، قدرت، تمایز، کار تیمی، تصمیم‌گیری، رضایت شغلی»* در داستان‌سرایی نیز «تخیل» راه ندارد. برخلاف داستان وجه ادبی هم مطرح نیست. البته اگر این وجه را داشت چه بهتر. بعد آموزندگی قوی‌ای دارد که می‌شود بارها به آن ارجاع داد. همان‌طور که در تعریف داستان‌سرایی گفته شد برخلاف خاطره و داستان، قابلیت این را دارد که زیر بنای تصمیم‌های جدید سازمان قرار گیرد. و در نهایت ثبت آن‌ها برای پیشرفت جامعه مفید است.

ویژگی‌های مشترک خاطره، داستان و داستان‌سرایی:

۱. هر سه سرگرم‌کننده هستند؛

۲. آموزنده هستند؛

۳. جزو میراث فرهنگی و اجتماعی جامعه هستند؛

۴. دارای تجربه‌های مشترک انسانی‌اند؛

۵. به یاد ماندنی‌اند؛

۶. وقتی خلق شدند تکرار شدنی نیستند؛

۷. الهام بخش‌اند؛

۸. ایجاد انگیزه می‌کنند.

در پایان از همه کسانی که کمک کردند تا این گام برداشته و کتاب حاضر تولید شود سپاسگزاریم. از جناب دکتر اسلام کریمی مدیرعامل محترم صندوق شاهد که در آغاز هر جلسه با خواندن نمونه‌های داستان‌سرایی دیگر کشورها به غنای جلسه می‌افزودند تشکر ویژه داریم. امیدواریم این حرکت تداوم یابد و همکاران بیش‌تر به ظرفیت‌های داستان‌سرایی سازمانی مجهز شوند.

* داستان‌سرایی سازمانی، دکتر مهدی شامی زنجانی و نرگس فرزانه کندی، نگاه دانش، ۱۳۹۳، ص ۲۰